

تداوم گفتگو تا حصول نتیجه!

«جن ساکی» سخنگوی کاخ سفید تصریح کرد: «آمریکا دیگر هیچ مأموریت نظامی تعریف شده‌ای در افغانستان نخواهد داشت. ما نتوانستیم پیروز نبرد نظامی افغانستان باشیم». این جمله حقیقت شکست آمریکا پس از ۲۰ سال اشغالگری و میلیاردها دلار هزینه بی‌حاصل در افغانستان و مضاف بر آن، در کل منطقه را نشان می‌دهد؛ اما تمام واقعیت صحنه روابط بین‌الملل و جبهه سلطه و مقاومت در منطقه غرب آسیا نیست. آنچه واقعیت حضور اشغالگرانه آمریکا و کشورهای غربی برای منطقه است؛ خسارت‌های بی‌شمار مادی به زیرساخت‌ها، تضییع منافع ملت‌ها، عقب‌ماندگی علمی و صنعتی کشورها و تلفات انسانی خارج از شمارش است که تا سال‌ها ادامه خواهد داشت. باین‌همه، هنوز آمریکا تمام علایق خود را از این منطقه استراتژیک نبریده است. تأمل در نکات زیر روشن‌گر سیاست خارجی دولت بایدن در آرایش جدید منطقه است:

نکات تحلیلی: ۱- عمده نیروهای آمریکا از افغانستان خارج شده‌اند اما به‌جای آن بسترها و زمینه‌های بحران ازجمله جنگ داخلی در افغانستان و کل منطقه پهن شده است تا به نیابت همان کارکردهای اشغالگری و سلطه‌جویی آمریکا که درنهایت سایش توان مادی و معنوی جهان اسلام است، پی گرفته شود. ۲- این‌که با توسل به بحران‌سازی‌ها به‌گونه‌ای وانمود می‌شود که امنیت افغانستان و عراق و کل منطقه تنها با حضور آمریکا تأمین می‌شود و کسانی هستند که در این کشورها همین را تکرار می‌کنند، نشان می‌دهد که بسیار لازم است از حیث فکری به تبعات ویرانگر اشغالگری، توجه و برای مردم این مناطق تبیین و تعمیق شود. بساط اشغالگری زمانی جمع می‌شود که بزرگ‌ترین عامل ناامنی نتواند خود را عامل امنیت جا بزند. ۳- امنیت منطقه تنها به دست کنشگران و بازیگران منطقه تأمین می‌شود. امنیت افغانستان زمانی تأمین می‌شود که همه گروه‌های افغانی با یکدیگر مذاکره کنند و به الگویی بومی برای تشکیل دولت و ساختار سیاسی جدید با لحاظ حقوق همه مردم افغانستان نائل شوند.

نکته راهبردی: آمریکا راهبرد «جنگ داخلی و نیابتی» در منطقه را جایگزین راهبرد «حمله و اشغال نظامی مستقیم» قرار داده است تا هم هزینه‌ها را مدیریت کند و هم تمرکز راهبردی خود را با حفظ بحران در منطقه، معطوف به شرق نماید. افزایش هزینه‌های دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران هم از پیامدهای این اقدام است. ازاین‌رو، فعالیت‌ها و اقدامات اخیر دستگاه دیپلماسی کشورمان در زمینه ابتکار حل بحران افغانستان از طریق برگزاری نشست میان طرف‌های مختلف افغانی، اقدام مناسبی است که تا حصول نتیجه و برقراری ثبات و آرامش در کل منطقه باید تداوم یابد.

(نویسنده: فتح‌الله پریشان)



لبنان در پرتگاه اقتصادی و سیاسی

لبنان با جمعیتی حدود ۸ و نیم میلیونی، مدت‌هاست درگیر اعتراض‌های خیابانی شده است. اعتراض‌هایی که رنگ و بوی اقتصادی دارد و مسائلی همچون، افزایش قیمت ارز، تورم ۱۴۵ درصدی و کمبود سوخت دامن این کشور کوچک را گرفته است.

گزاره‌های خبری: ۱- مشکلات کنونی لبنان به سیاست‌های اقتصادی رفیق حریری برمی‌گردد که سیاست گرفتن وام با بهره بالا را در دستور کار قرار داد و اکنون بازپرداخت این وام‌ها به چالش اصلی دولت لبنان تبدیل شده‌اند. ۲- طی چند وقت اخیر و به خاطر کرونا، صنعت گردشگری لبنان که مهم‌ترین منبع درآمدی این کشور است، با مشکلات عدیده‌ای مواجه شده است. اکنون لبنان بدهی خارجی ۸۰ میلیارد دلاری دارد که چیزی نزدیک به ۱۵۰ برابر تولید ناخالص داخلی این کشور است. البته در این میان بانک‌های لبنان به عامل تسریع‌کننده در بحران‌ها تبدیل شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که از سال ۹۸ و با شروع اعتراض‌های اقتصادی، مبالغ هنگفتی را از منابع خود به خارج از لبنان منتقل کرده‌اند. ۳- با توجه به اینکه دولت در لبنان، ائتلافی و تشکیل یافته از احزاب مختلف است، وزیر دارایی از بین شیعیان انتخاب می‌شود. بسیاری بر این اعتقادند که دولت غرب‌گرایی حریری و جریان‌های همسو، اقدام به کارشکنی علیه این وزارتخانه‌ها، جهت تضعیف حزب‌الله می‌کنند.

گزاره تحلیلی: با توجه به مشکلات لبنان، اخیراً دبیرکل حزب‌الله طرحی را برای حل بحران سوخت در لبنان پیشنهاد داده است (اکنون بیشتر اعتراض‌های لبنان به دلیل کمبود سوخت است). سید حسن نصرالله پیشنهاد داد که سوخت تأمین لبنان را از ایران وارد کنند و اعلام کرد که زیرساخت‌های آن نیز فراهم شده است. این سخنان دبیرکل حزب‌الله با واکنش سفیر آمریکا در لبنان مواجه شد و وی اعلام کرد که واردات سوخت از ایران راه‌حل مشکلات کنونی لبنان نیست. آمریکا از این واژه دارد که با تأمین سوخت لبنان توسط ایران، حوزه نفوذ تهران و گروه‌های مقاومت در داخل این کشور گسترده‌تر شود؛ زیرا آمریکا با تحریم دلاری لبنان و اقدامات دیگر به دنبال جا انداختن این گزاره در میان افکار عمومی لبنان است که مشکلات کنونی کشورشان نشئت گرفته از حزب‌الله و گروه‌های همسو با ایران است. حال با این اوصاف، اگر ایران و حزب‌الله در زمینه تأمین سوخت نقش آفرینی کنند، آنچه را که آمریکا در طی دو سال گذشته رشته کرده، پنبه خواهد شد؛ اما در صورت وقوع چنین اتفاقی، این امر برای ایران ازهرجهت برد خواهد بود؛ از یک‌سو یک تأمین مالی جدیدی صورت خواهد گرفت که حتی اگر لبنان توان پرداخت نقدی را نداشته باشد، از طریق تهاتر امکان‌پذیر است و از سوی دیگر منجر به خنثی‌سازی طرح‌های آمریکایی که همان فروپاشی اقتصادی و سیاسی لبنان است، خواهد شد.

(نویسنده: محمدرضا فرهادی)

رئییسی چگونه کار اصلاح طلبان را سخت کرد؟!

«احمد غلامی» در سرمقاله روزنامه اصلاح طلب شرق با عنوان «رئییسی کار اصلاح طلبان را سخت کرد»، نوشت: «دولت روحانی در انتهای خط است و دولت رئییسی هنوز پا به خط آغاز نگذاشته است. در این خلأ به وجود آمده و در جابه جایی دولت ها، کارهای اساسی چندانی صورت نخواهد گرفت. دولت مستقر بیش از هر زمان دیگری در صدد وقت گذرانی است و تلاشش رفع و رجوع کارهای روزمره است، اما دولت رئییسی از هم اکنون آستین بالا زده و برعکس دولت روحانی در آغاز، کار احیای سیاست داخلی را در دستور کار دارد. دیدارهای او [رئییسی] با برخی وزرا و مقامات دولت روحانی و تماس های مکرر و وسیع دفترش با منتقدان وضع موجود که بیش از همه اصلاح طلبان را در بر می گیرد، اقداماتی است که در دولت های پیشین سابقه نداشته است. اصلاح طلبانی که تضاد جدی با دولت سیزدهم دارند، در برابر این دعوت ها چه خواهند کرد؟ رئییسی این دسته از اصلاح طلبان را با معضل جدی روبه رو کرده است؛ معضلی که تضادهای درونی آنان را بیش از پیش آشکار می کند. بسیاری از اصلاح طلبان به گفته عباس عبدی، تکنسین های قدرت اند. آنان همواره در صددند برای ماندن در قدرت راه و سازوکاری پیدا کنند. منظور، همین دسته از اصلاح طلبانی است که معلوم نشد بر چه اساسی نامزدهایی را برگزیدند که هیچ یک از آن ها به لحاظ رویکردهای سیاسی چندان قربانی با یکدیگر نداشتند؛ مثلاً کنار هم قرار دادن پزشکيان و ظریف، جهانگیری و تاجزاده از هیچ اصلی تبعیت نمی کند مگر یک چیز، آن هم چیدمانی برای رسیدن به هدفی خارج از موفقیت این نامزدهای موجود در لیست! بگذریم. هدف، چوب زدن به تابوت مرده نیست. می خواهیم بگویم دولت رئییسی برعکس دولت روحانی، با سیاست داخلی آغاز کرده است.

تحلیل عباس عبدی از جریان اصلاحات: به مرحله گسست رسیده ایم

«عباس عبدی»، فعال سیاسی اصلاح طلب که عمدتاً نظراتش را در رسانه های این جریان مطرح می کند، گفته است: «من هیچ وقت خودم را از دوستان اصلاح طلب جدا نمی دانم و جدا نکردم، ولی این به معنای توافق با آنان نیست، سال ۱۳۸۷ هم نامه ای به آن ها نوشتم که یک کلمه هم جوابش را ندادند. من به عنوان یک اصلاح طلب در عرصه عمومی می نویسم، فقط همین. به من می گوید چرا حرفت را به شورای تصمیم گیران جبهه اصلاحات نمی رسانی و من می گویم حدود سه سال قبل به دیدن آقای خاتمی رفتم و خیلی صریح تحلیل کردم که وضعیت اصلاح طلبان در قبال طرف مقابل، به بن بست رسیده و سیاست شما دیگر نمی تواند ادامه پیدا کند. بهترین کار این است که شخص شما کارهایتان را فریز کنید. با فریز کردن، سرمایه شما از بین نمی رود. همیشه ممکن است فرصتی پیش بیاید و یک باره یخ ها آب و فضا گرم شود و بتوان کاری کرد. گفتم شما نه تنها دیگر نمی توانی موتور نیروها باشید، بلکه می توانید به عنوان مانع هم عمل کنید. به هر حال من در این حد کنشگری داشتم. من برای دوستانی که صادقانه در انتخابات شرکت کردند، احترام می گذارم. علت این که اصلاح طلبان دو جناح شدند و یک عده شرکت کردند و یک عده شرکت نکردند به این دلیل بود که ما به مرحله گسست رسیده ایم.

زمین بازی عوض می شود!

«فؤاد ایزدی»، کارشناس مسائل آمریکا با اشاره به موانع برجای که از سوی آمریکا ایجاد شده و حاضر به بازگشت به تعهدات قبلی خود نیست، می گوید: «آمریکایی ها به دنبال این هستند تا توافقی طولانی مدت به دست آورند، آن ها می گویند ما توافق ۱۵ یا ۲۰ ساله می خواهیم. آن ها به دنبال این هستند که از توافق فعلی فراتر روند و جدای از موضوعات هسته ای امتیازات دیگری نیز بگیرند. موضوعات و خواسته های به ناحق آن ها در گزارش های خبری رسانه های غرب هم انعکاس می یابند. متأسفانه آقای روحانی به گونه ای درباره توافق هسته ای سخن می گوید که کاخ سفید، مشکلات موجود در برجام را به داخل ایران ربط می دهد». وی در خصوص تغییر دولت و تأثیر آن در ادامه مذاکرات، معتقد است: «دولت آقای روحانی تمام شود، زمین بازی هم عوض می شود و افراد و شرایط جدیدی مهیا می شوند؛ البته مشاوران امنیتی حق رأی دارند و باید دید در شورای امنیت ملی آینده چه کسانی مشخص می شوند و تصمیمشان درباره برجام و مذاکرات چیست».

◀ **روسیه: آمریکا هیچ تضمینی به ایران نمی‌دهد** / نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی واقع در وین می‌گوید: «۹۰ درصد کار احیای برجام انجام شده است. آمریکایی‌ها گفته‌اند که قوانینشان اجازه نمی‌دهد تا هیچ‌گونه تضمینی درباره عدم خروج مجدد از برجام بدهند. برنامه‌های ایران برای تولید فلز اورانیوم، نتیجه سیاست فشار حداکثری ایالات متحده است. این آمریکایی‌ها هستند که باید اولین قدم را بردارند، زیرا آن‌ها خارج از قاعده رفتار کردند و از توافق خارج شدند».

◀ **جاسوسی که شلوارش را خیس کرد، رفت!** / «رابرت مک ایر» سفیر انگلیس در تهران در پایان دوره مأموریت خود با ظریف، وزیر خارجه کشورمان دیدار و خداحافظی کرد. مک ایر ضمن حضور در یکی از تجمعات اعتراضی در سال ۱۳۹۸، اقدام به شعارهای هنجارشکنانه علیه جمهوری اسلامی و شهید حاج قاسم سلیمانی کرد و در نهایت دستگیری او توسط پلیس و خیس کردن شلوارش از شدت ترس، بازتاب‌های زیادی در فضای مجازی داشت.

◀ **افزایش غیرقانونی حقوق مدیران دولتی!** / «کوچکی‌نژاد» نماینده مجلس می‌گوید: «در قانون بودجه آمده که حقوق کارکنان دولت ۲۵ درصد افزایش پیدا کند، اما این نکته قید شده که این افزایش حقوق نهایتاً تا سقف ۲.۵ میلیون باید باشد که این مسئله از افزایش دریافتی مدیرانی که حقوق بالایی دارند، جلوگیری می‌کند. جهانگیری در بخشنامه خود آورده که این سقف ۲.۵ میلیونی فقط شامل حقوق پایه است و مابقی دریافتی‌ها بدون سقف می‌تواند افزایش یابد. دولت با این کار می‌خواهد مدیرانش با دریافتی بالاتری بازنشسته شوند».

◀ **مذاکره با آمریکا نیازمند اجازه مجلس می‌شود** / اخیراً طرحی با عنوان «ممنوعیت مذاکره مسئولان با مقامات آمریکا» در دستور کار مجلس قرار گرفته که اگر تصویب شود، هرگونه شروع به مذاکره با مقامات آمریکایی نیازمند اجازه مجلس خواهد بود و متخلفان به حبس و انفصال از خدمت محکوم می‌شوند.

◀ **سردار پاکپور: امنیت در مرزهای شرقی برقرار است** / فرمانده نیروی زمینی سپاه گفت: «در حال حاضر هیچ‌گونه اتفاق خاصی در مرزهای مشترک ایران با این کشور رخ نداده است. امنیت و آرامش کامل در تمامی مرزهای شرقی و مشترک با کشور افغانستان برقرار است».

▼ خبر ویژه

جذب و انتقال اعضای هیئت علمی رانتی در روزهای پایانی دولت!

بسیج دانشجویی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران با صدور بیانیه‌ای، جذب برخی از اعضای هیئت علمی در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران را خلاف عرف و قانون دانست. در بخشی از این بیانیه آمده است: «در این روزهای پایانی دولت موسوم به تدبیر و امید، درگیر برخی اقدامات خلاف عرف و قانون در جذب و انتقال یکی از اعضای هیئت علمی با رانت‌های سیاسی و خانوادگی شده است که این دست اقدامات در جذب اساتید با کارنامه ضعیف علمی و خلاف قانون در این دانشکده مسبوق به سابقه نیز بوده است. این جذب در خصوص انتقال آقای «روح‌الله ر» عضو پیمانی هیئت علمی گروه حقوق عمومی پردیس فارابی دانشگاه تهران و همچنین فرزند آقای «محسن ر» عضو هیئت علمی گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی و همچنین عضو شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان به گروه روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی در دانشگاه تهران است».